

بسم الله الرحمن الرحيم



دانشگاه سمنان

نقد دمدستان کوتاه

مؤلف : دکتر نوشین الهی پناه

عضو هیأت علمی دانشگاه سمنان

سرشناسه	: الهی پناه ، نوشین، ۱۳۴۶-
عنوان و نام پدیدآور	: نقد ده داستان کوتاه/مؤلف نوشین الهی پناه.
مشخصات نشر	: سمنان: دانشگاه سمنان، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	: ۱۵۳ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۵۹۴۰-۶۳-۳
وضعیت فهرست نویسی	: قیفا
موضوع	: داستان های کوتاه — تاریخ و نقد
موضوع	: داستان های کوتاه — مجموعه ها
شناسه افزوده	: دانشگاه سمنان
رده بندی کنگر	: ۱۳۹۱ ن ۷ الف / ۲۳۷۳ PN
رده بندی دیویی	: ۳۱۸.۰۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۸۲۸۹۹۷



دانشگاه سمنان

نقد ده داستان کوتاه

- ✉ مؤلف: دکتر نوشین الهی پناه
- ✉ ویراستار: قدسیه رضوانیان
- ✉ صفحه آرایی: اسماعیل شجاعی
- ✉ طرح جلد: ریحانه اسدی
- ✉ نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۱
- ✉ ناشر: انتشارات دانشگاه سمنان
- ✉ شمارگان: ۲۰۰ جلد
- ✉ قیمت: ۷۵۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۹۴۰-۶۳-۳

حق چاپ محفوظ و متعلق به انتشارات دانشگاه سمنان می باشد.

تلفن انتشارات: ۰۲۳۱-۳۳۲۰۲۹۵

فهرست مطالب

۴	مقدمه
۱۱	مگس (کاترین مانسفیلد)
۲۴	من و پدر (پار لیچر کویت)
۳۷	بگو آره (تویاس ولف)
۵۰	پیرمردی در کنار پل (ارنست همینگوی)
۶۳	گربه در زیر باران (ارنست همینگوی)
۷۵	زن یا بیر؟ (فرانک استاکتون)
۹۱	بدبختی (آنتون چخوف)
۱۰۸	نگاهی به گذشته (گی دو موپاسان)
۱۲۰	داستانی در عرض یک ساعت (کیت شوپن)
۱۳۱	قصه گو (هکتور هیو مانرو)
۱۴۶	واژه نامه
۱۵۰	منابع و مآخذ

مقدمه

داستان کوتاه که از نیمه ی دوم قرن نوزدهم پدیدار شد، نسبت به رمان ژانر جدیدتری است. البته بعضی از داستان‌های کوتاه، بسیار کوتاه و بعضی بلندتر هستند، اما همین ویژگی کوتاه بودن باید خواننده را بر آن دارد که به تمام جوانب داستان توجه کند، هیچ نکته‌ای را نادیده نگیرد و حتی بین خطوط را نیز بخواند، یعنی به آن‌چه در لایه های زیرین داستان نهفته است نیز توجه داشته باشد. چه بسا داستان‌هایی که به طور فریبندهای ساده به نظر می‌رسند اما پر از معنی و اشارت هستند. البته تمام داستان‌های کوتاه چنین نیستند. داستان و آثار ادبی به طور کلی می‌توانند تفریحی (Literature of Escape) یا تفسیری (Literature of interpretation) باشند. کتاب حاضر به داستان‌هایی می‌پردازد که فقط برای گذران وقت و تفریح خاطر خواننده نوشته نشده‌اند و نیاز به تعمق دارند، زیرا یکی از ویژگی‌های اثر ادبی خوب این است که بعد از تمام شدن، در ذهن خواننده ادامه یابد.

در داستان کوتاه باید به این نکته توجه داشت که تک تک واژگان و جمله ها و یا تکرار یک عبارت خاص می‌تواند پیامی در خود نهفته داشته باشد. یک نویسنده خوب هیچ چیزی را بدون هدف در داستان نمی‌آورد. در مورد آنتون چخوف که پدر داستان نویسی مدرن نامیده می‌شود، گفته‌اند که اگر در ابتدای داستان او به تفنگی اشاره می‌شود که روی دیوار آویزان است آن تفنگ حتما تا پایان داستان در جایی شلیک می‌کند. هر نویسنده ای می‌تواند پرگویی کند اما داستان خوب آن است که هیچ چیز بی ربطی در آن نباشد، تمامی عناصر داستان با هم هماهنگی داشته باشند و وجود آن‌ها ضروری باشد، مانند آجرهایی که روی هم دیوار را می‌سازند و هر یک از جای خود خارج شود دیوار خراب خواهد شد. حتی نوع آب و هوا و فضای داستان نیز باید مربوط به محتوای آن باشد. داستان می‌تواند غم انگیز، وهم آور، مهیج، ترسناک، عاشقانه و... باشد. احساسی که در داستان وجود دارد و به خواننده القا می‌شود از کلماتی که نویسنده انتخاب می‌کند (Diction) و یا از انتخاب مکان و زمان داستان ناشی می‌شود، مثلاً محیط روستایی آرامش بیش تری دارد اما محیط شلوغ شهری (مانند ابتدای

داستان "بدبختی" اثر چخوف) با احساس ناخوشایند تنش و بی قراری همراه است. معمولاً داستان کوتاه یا رمان شروع آرامی دارد که می تواند با توصیف همراه باشد، سپس نقطه ی عطفی (Turning Point) در داستان پدیدار می شود و به حوادثی منجر می گردد (Rising Action) که داستان را به نقطه اوج (Climax) می رساند. بعد فرود حوادث (Falling Action) که در آخر به گره گشایی و رمز گشایی (Resolution) از داستان منجر می شود. اما همه ی داستان ها از این توالی پیروی نمی کنند. ممکن است داستان در نقطه ی اوج خاتمه یابد. (مانند داستان "زن یا ببر"). ممکن است داستان از نقطه ی اوج شروع شود مانند زمانی که در ابتدای داستان با جسدی رو به رو می شویم و قتلی رخ داده است و بعد بازگشت به حوادث گذشته (Flashback) صورت می گیرد. ترتیب حوادث داستان بستگی به نوع داستان دارد. داستان نویس برای این که خواننده را با خود همراه داشته باشد می تواند از ویژگی تعلیق (Suspense) استفاده کند، یعنی سیر حوادث طوری باشد که بتوان پایان داستان را حدس زد و خواننده ادامه می دهد تا ببیند بعداً چه اتفاقی می افتد. گاهی داستان ها پایان شگفت انگیزی دارند (Surprise Ending) و طنز موقعیت (Situational Irony) در آن ها به چشم می خورد، یعنی پایان داستان درست برعکس آن چیزی است که حدس زده می شد. البته گفته اند که آنچه در عالم واقعیت اتفاق می افتد گاهی عجیب تر از داستان هاست. داستان خوب باید دارای شخصیت های باور پذیر باشد. حوادثی که داستان را می سازد طرح یا پی رنگ داستان (Plot) نامیده می شود. پی رنگ می تواند پیچیده یا ساده باشد، می تواند آغاز، میانه و انتها داشته باشد. حوادث پی رنگ می توانند به یک دیگر مربوط باشند یعنی علت و معلول باشند یا تطابق زمانی داشته باشند، می توانند ضروری یا محتمل باشند.

خواننده در بعضی داستان ها به پی رنگ و طرح داستان علاقه مند می شود و در بعضی دیگر به شخصیت ها (Characters). اما در بعضی داستان ها این دو به گونه ای در هم تنیده اند که علاقه به یکی باعث ایجاد علاقه نسبت به دیگری هم می شود. طرح داستان ممکن است تضاد بین شخصیت مثبت (Protagonist) و منفی (Antagonist)

داستان را در بر داشته باشد. تضاد می تواند خارجی باشد (External Conflict) مثلاً دانش آموزی می خواهد در رشته ی دبیری درس بخواند اما پدر و مادرش به جای تشویق به او تحمیل می کنند که در رشته ی پزشکی درس بخواند. این کشمکش خارجی است اما در موردی که کشمکش درونی است (Internal Conflict) فرد با خودش درگیر است، یعنی خودش نمی داند کدام یک را انتخاب کند و از بیرون فشاری بر او نیست. همه چیز در داستان کوتاه می تواند مهم باشد. اما در حین خواندن داستان بعضی از نکات بیشتر توجه خواننده را جلب می کند یا او را متحیر می سازد. مثلاً رابطه ی بین دو شخصیت، یا این که پایان داستان چگونه به آغاز آن مربوط است. بنابراین وقتی داستان برای بار دوم خوانده می شود خواننده متوجه نکاتی می گردد که در خواندن بار اول متوجه نشده بود. وقتی خواننده پایان داستان را بداند ابتدای آن را طور دیگری می خواند. هم چنین اگر در داستان به دنبال یافتن جواب سؤالاتی باشد، ایده هایی به ذهن او خطور می کند. مثلاً

- ۱- چه اتفاقی می افتد؟
- ۲- شخصیت های اصلی چه کسانی هستند؟
- ۳- چه بخشی از داستان خوشایند یا کجای داستان ناخوشایند است؟
- ۴- عنوان داستان چگونه است؟ تا چه حد بیانگر محتوای آن است؟
- ۵- آیا شما عنوان بهتری برای آن پیشنهاد می کنید؟

زمان نگارش داستان نیز در نقد آن اهمیت دارد. مثلاً داستان هایی که بعد از جنگ جهانی اول و یا دوم نوشته شده اند، تأثیر جنگ را بر زندگی آدم ها نشان می دهند. بسیاری از آثار چخوف به تأثیر انقلاب اکتبر بر جامعه می پردازد. انقلاب کبیر فرانسه در پس زمینه ی رمان "بینوایان" اثر ویکتور هوگو دیده می شود. "داستان دو شهر" اثر چارلز دیکنز به شرایط اجتماعی و سیاسی لندن و پاریس در زمان انقلاب کبیر فرانسه می پردازد. دانستن زمان نگارش داستان فقط مربوط به زمینه ی تاریخی و سیاسی آن نیست بلکه در نقد رویه ی ادبی و وضعیت فکری نویسنده نیز

مهم است: این که نویسنده این داستان را در ابتدای فعالیت های ادبی خود نوشته یا در اواخر آن، و در کدام وضعیت فکری به نگارش این اثر پرداخته است در نقد داستان اهمیت دارد. بسیاری از نویسندگان در زندگی دچار تحولات روحی می شوند مثلاً جلال آل احمد بعضی از آثار اولیه ی خود را نمی پسندید و از نگارش آن ها راضی نبود.

داستان خوب دو ویژگی دارد:

۱- حوادث و شخصیت های آن قابل باور هستند ۲- پیچیدگی های اخلاقی و روحی را که بخشی از جوهره ی زندگی انسان هاست، نشان می دهد.

شخصیت یا کاراکتر به دو معناست: افراد داستان می توانند شخصیت های اصلی یا فرعی باشند ۲- شخصیت درونی هر فرد، مثلاً کسی می تواند کاراکتر ساده (Flat) یا پیچیده (Round) داشته باشد، می تواند ایستا (Static) یا پویا (Dynamic) باشد. بعضی شخصیت ها از ابتدا تا پایان داستان تغییر نمی کنند و بعضی متحول می شوند. البته با توجه به این که زمان داستان کوتاه، ممکن است خیلی کوتاه باشد شاید نتوان شخصیت های پیچیده را معرفی کرد مگر این که نویسنده وارد ذهن شخصیت ها شود و به جریان سیال ذهن (Stream of Consciousness) آن ها بپردازد یا بازگشت به گذشته داشته باشد. اما حتی در داستان های خیلی کوتاه هم می توان شخصیت پویا داشت. شاید آن داستان کوتاه را خوانده باشید که شخصی از طبقه بالای یک برج به قصد خود کشی خود را پایین می اندازد. تمام داستان در کمتر از یک دقیقه اتفاق می افتد. فرد هنگام سقوط، از پنجره های طبقات مختلف ساکنان آن ها را می بیند که هر یک به کاری مشغول اند و از مقایسه ی زندگی آن ها با خود مطالبی در ذهنش نقش می بندد و زمانی که به نزدیک زمین می رسد از فکر خود کشی پشیمان شده است اما دیگر دیر شده و فرصتی برای جبران نیست.

انسان ها می توانند شخصیت خوب و دوست داشتنی یا شخصیت ناخوشایندی داشته باشند. اثر داستانی خوب، شخصیت های پیچیده و قابل باور به خواننده معرفی می کند. شخصیت های کلیشه ای داستان را تکراری و غیر جذاب می کنند. وقتی

خواننده بتواند پایان داستان را حدس بزند چندان تمایلی به خواندن آن نخواهد داشت. نویسنده می‌تواند شخصیت‌ها را مستقیماً توصیف کند (این روش سنتی است و معمولاً در رمان مدرن و پست مدرن به کار گرفته نمی‌شود). نویسنده می‌تواند از ابتدای داستان یا حتی در خلال آن نمی‌گوید که فلان شخصیت عاشقی حسود، صاحب خانه‌ای بی رحم یا مادی مهربان است. چون انسان‌ها سیاه و سفید نیستند و پیچیدگی‌های شخصیتی خود را دارند. کسی که در یک موقعیت، بی رحمانه و خود خواهانه رفتار می‌کند، ممکن است در موقعیتی دیگر کاملاً رفتاری عکس آن از خود نشان دهد. نویسنده می‌تواند مدرن چگونه شخصیت‌ها را توصیف می‌کند؟ این کار را غیر مستقیم انجام می‌دهد. از طریق توصیف عملکرد شخصیت‌ها، آن‌چه در ذهن آنها می‌گذرد یا به زبان می‌آورند، یا از طریق آن‌چه شخصیت‌های دیگر در مورد آن‌ها می‌گویند. معمولاً با مقایسه‌ی شخصیت‌ها نیز حلقه جالبی درباره‌ی آن‌ها آشکار می‌شود. شخصیت‌ها می‌توانند مانند هم باشند، گویی همزاد یک دیگرند (Doppelganger). یا کاملاً متضاد باشند (Character Foil) که در این صورت با مقایسه‌ی بین آن دو می‌توان به ویژگی‌های مثبت یا منفی هر یک پی برد یا از روش تقابل دوگانه (Binary opposition) استفاده کرد. این روش نه تنها برای شخصیت‌ها، بلکه برای مقایسه‌ی حوادث و موقعیت‌ها نیز مفید است (مانند آنچه در نقد داستان "من و پدر" آمده است).

چه چیزی باعث می‌شود که نویسنده، حوادث را یکی بعد از دیگری به این شکل بنویسد؟ این همان تم داستان (Theme) یا درون مایه‌ی داستان است که می‌تواند نویسنده را راهنمایی کند و مسیر داستان را به او نشان دهد. داستان، روش گفتن چیزی است که به طریقی دیگر نمی‌توان آن را گفت و آن چیز همان درون مایه یا تم داستان است. البته داستان می‌تواند تم قطعی نداشته باشد و می‌تواند چند درون مایه هم داشته باشد، همان طور که بعضی از داستان‌های این مجموعه بیشتر از یک تم دارند. تم داستان در واقع همان پیام داستان و ایده‌ی اصلی آن است.

گاهی وقت‌ها مطلبی در داستان وجود دارد که به ما کمک می‌کند حوادث بعدی را

تا حدی پیش بینی کنیم. این مسئله، زمینه چینی (Foreshadowing) نامیده می شود. مثلاً در ابتدای داستان می خوانیم که شخصیت اصلی ناراحتی قلبی دارد، بنابراین وقتی در انتهای داستان این شخصیت به علت ناراحتی قلبی می میرد برای خواننده دور از انتظار نیست.

بعضی از داستان ها تمثیلی (Allegorical) هستند یعنی حوادث و شخصیت ها معنای ثانوی دارند و ایده ی دیگری در زیر سطح داستان نهفته است. در بعضی موارد اگر ندانیم که داستان، یک تمثیل است ممکن است آن را از ابتدا تا انتها بخوانیم و لذت ببریم، مثلاً در مورد داستان "مزرعه ی حیوانات" اثر جورج اورول ممکن است ندانیم که این مزرعه نشان دهنده ی جامعه ی روسیه ی کمونیستی است و حیوانات آن به جای لنین، استالین و تروتسکی نشسته اند، یا در مورد "سفر های گالیور" اثر جاناتان سوئیفت فکر کنیم که فقط در مورد فردی است که به سرزمین های مختلف سفر کرده است. در صورتی که این اثر تمثیل سیاسی و انتقاد از حکومت لیبرال ها در زمان رابرت والپول است. بنابراین اگر از جنبه تمثیلی آگاه نباشیم، شاید خللی در لذت بردن ما از داستان ایجاد نشود، شاید هم داستان تا حدی گنگ و مبهم به نظر برسد (مانند داستان "من و پدر" که در این مجموعه آمده است) اما در مورد داستان های نمادین (Symbolic) اگر متوجه مفهوم نمادها نشویم داستان کاملاً گیج کننده و مبهم خواهد بود.

در هنگام نقد داستان باید اجازه داد که مطالب از باطن داستان پدیدار شوند و نباید در مورد آن پیش داوری کرد یا آنچه را در ذهن است به داستان تحمیل کرد. داستان را می توان با توجه به زندگی نویسنده و شرایط تاریخی، اجتماعی و سیاسی زمان نگارش آن نقد کرد. این روش اگر چه سنتی است اما در بعضی موارد می تواند تا حدی زوایای تاریک داستان را روشن کند. در نقد جدید باید اثر ادبی را جدا از مکان و زمانش، حتی جدا از ذهن نویسنده اثر در نظر گرفت تا داستان، خواننده را به هزار توی پنهان درونش راهنمایی کند. اگر شیوه صحیح نقد آموخته شود، نه تنها در نقد داستان کوتاه بلکه در نقد رمان، نمایشنامه، شعر و حتی نقد فیلم نیز کاربرد خواهد داشت.

کتاب حاضر شامل ده داستان کوتاه از نویسندگان آمریکایی، انگلیسی، سوئدی، روسی و فرانسوی است که همه‌ی آن‌ها را از انگلیسی به فارسی ترجمه کرده‌ام و نقد هرداستان را پس از آن آورده‌ام. دو تن از نویسندگان این مجموعه - ارنست همینگوی و پار لیجر کویست - از برندگان نوبل ادبیات بودند. چخوف پدر داستان نویسی مدرن نامیده شده است و نویسندگان بسیاری تحت تأثیر او بودند از جمله کاترین مانسفیلد که داستانی از او نیز در این مجموعه آمده است. موپاسان هم در فرانسه از پیشگامان داستان کوتاه به شمار می‌آید. داستان‌ها به گونه‌ای انتخاب شده‌اند که هم از نظر محتوا جذاب بوده و هم ویژگی‌های مختلف داستان کوتاه را دارا باشند به طوری که روش‌های متفاوت نقد را بتوان در مورد آن‌ها به کار برد. از نظر مقطع زمانی، نویسندگان این مجموعه متعلق به دهه‌های آخر قرن نوزدهم و قرن بیستم هستند که با توجه به بررسی سبک خاص آن‌ها می‌توان دریافت که داستان کوتاه چه تغییری را پشت سر گذاشته است. امید است داستان‌های این مجموعه برای علاقه‌مندان به ادبیات و نقد ادبی مفید واقع گردد.